

شناسایی اهداف (شایستگی‌ها) یادگیری آموزش اقتصاد مقاومتی مناسب نظام آموزش رسمی و عمومی ایران

حسنعلی گرمابی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

چکیده

یکی از راه‌های اشاعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی در جامعه، آموزش اقتصاد مقاومتی است و آموزش اقتصاد مقاومتی می‌تواند در زمره آموزش‌های ضروری نظام آموزش رسمی و عمومی قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر در پی شناسایی اهداف (شایستگی‌ها) یادگیری آموزش اقتصاد مقاومتی متناسب با نظام آموزش رسمی و عمومی ایران بوده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که برای انجام آن از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، پیمایشی و جستار نظرورزان استفاده شده است. جامعه پژوهشی شامل دو جامعه منابع مطالعاتی و صاحب‌نظران اقتصاد و برنامه‌ریزی درسی بوده که نمونه مورد نظر از آنها با روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده نیز با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. یافته‌های پژوهش شامل ۱۳ هدف کلی یا شایستگی یادگیری است که از منظر منابع مطالعاتی و دیدگاه صاحب‌نظران در نظام آموزش رسمی و عمومی قابل پیگیری هستند تا محتوا و فرصت‌های یادگیری مناسبی برای آنها پیش‌بینی شود. **کلیدواژه‌ها:** اهداف یادگیری؛ شایستگی یادگیری؛ اقتصاد مقاومتی؛ نظام آموزش رسمی و عمومی

این مقاله مستخرج از گزارشی پژوهشی است که به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش انجام گرفته است.

h.garmabi@cfu.ac.ir

* مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه و بیان مسئله

رشد اقتصادی، معلول عوامل مختلف سخت‌افزاری و فیزیکی و عوامل نرم‌افزاری مانند دانش و نوآوری است. درحالی‌که، الگوهای اولیه رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی تولید (مانند سرمایه فیزیکی و نیروی کار و زمین) به‌عنوان منابع تولید تأکید می‌کردند. برخی از الگوهای رشد نئوکلاسیکی دانش را عامل برون‌زا در تعیین رشد اقتصادی می‌دانند و دانش، یکی از مؤثرترین عوامل در بهره‌وری و رشد اقتصادی مطرح می‌شود. میرمعزی (۱۳۹۱) بیان می‌کند در قرن بیست‌ویکم، افزون‌بر سرمایه طبیعی، نیروی کار و منابع طبیعی، عوامل غیرمحسوسی مانند دانش، اطلاعات و ویژگی‌های فرهنگی را به‌عنوان منابع جدید رشد اقتصادی در نظر گرفت از این‌رو، تنها با سیاست‌های پولی و مالی نمی‌توان توسعه اقتصادی را تحقق بخشید و باید سیاست‌های فرهنگی و آموزشی خاصی نیز اتخاذ و به کار بست.

اقتصاد مقاومتی که به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی به‌دنبال کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است (سیفلو، ۱۳۹۳) بدون عوامل غیرمحسوس یعنی دانش و ویژگی‌های فرهنگی نمی‌تواند اتفاق بیفتد. برای مثال، معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند که تجربه ژاپن و کشورهای آسیای جنوب شرقی نشان داد گسترش باورهای سازنده نسبت به کار، شیوه‌های درست مصرف و ترویج فرهنگ شرم به‌سبب عقب‌ماندگی از کشورهای پیشرفته، موجب افزایش بهره‌وری در منابع انسانی می‌شود. میلانی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف است. پس در این زمینه باید سیاست‌گذاری مناسب صورت پذیرد. واضح است که آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اساسی در این راستا می‌تواند به‌طور مؤثر نقش آفرینی کند؛ زیرا ترویج نگرش‌ها، ارزش‌ها و آداب مطلوب و مناسب نظام ارزشی حاکم بر جامعه از اهداف و مأموریت‌های آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود. پس رسیدن به توسعه اقتصادی آن هم با رویکرد اقتصاد مقاومتی نیز نیازمند ترویج دانش، ارزش‌ها، باورها و همچنین مهارت‌هایی بین مردم است و این امر خود مستلزم ارائه آموزش‌های لازم به آنان است. سبکتکین و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهش خود باعنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان کرج»، نشان دادند که میزان گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی با متغیرهای استفاده از رسانه، میزان

مصرف‌گرایی خانواده، جامعه‌پذیری دینی، اهتمام مدرسه به فرهنگ اقتصاد مقاومتی و شخصیت اجتماعی پیشرفته، همبستگی معنی‌دار است. امیری، پرتابیان و صفری (۲۰۱۴) در «بررسی نقش دانشگاه و عناصر آن در تحقق اقتصاد مقاومتی» بیان کردند: استادان، با برگزاری نشست مناظره آزاد و نظریه‌پردازی در خصوص اقتصاد مقاومتی؛ دانشجو، با انجام پژوهش‌های کاربردی در حوزه اقتصاد مقاومتی؛ برنامه درسی، از طریق بازنگری سرفصل‌های دروس دانشگاهی و سازمان‌های دانشجویی از طریق تبیین گفتمان اقتصاد مقاومتی و مدیریت مؤثر منابع مالی می‌توانند در تحقق منویات رهبر معظم انقلاب، نقش آفرینی کنند.

سالبرگ^۱ (۲۰۰۶) بیان می‌کند جهانی‌شدن، رقابت اقتصادی در داخل و بین کشورها و مناطق جهان را افزایش داده است. به نظر می‌رسد برای افزایش رقابت اقتصادی، شهروندان باید دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای موفقیت کشور و اقتصاد دانش‌بنیان را کسب کنند. پژوهش وال‌استد و واتس^۲ (۲۰۱۵) نشان داده است که آموزش اقتصاد ازسوی مقامات ایالتی مورد تأکید واقع شده و رویکرد شهودی یا الهامی^۳ در تدریس اقتصاد، مورد بحث قرار گرفته است. همچنین بیان شده است که محتوای آموزش اقتصاد، راهنماها و استانداردهای محتوایی آماده شده است.

با ملاحظه مطالب مذکور می‌توان دریافت که آموزش و پرورش به‌عنوان یک سازمان و نهاد اساسی در تربیت انسان‌های مطلوب برای جامعه می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید و بستر فرهنگی و آموزشی اقتصاد مقاومتی را فراهم نماید و اگر چنانچه این موضوع در برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش، جایگاهی نداشته باشد و درزمره برنامه درسی، مغفول واقع شود، بستر فرهنگی و تربیتی مناسبی برای اجرا و پیگیری این راهبرد اقتصادی مهیا نخواهد شد. ازسوی دیگر، اهمیت برنامه درسی مغفول یا پوچ برای برنامه‌ریزان درسی این است که برنامه‌ریزان درسی باید همواره به این پرسش پاسخ دهند که آیا برنامه درسی حذف شده از آنچه که ابقا شده است، اولویت کم‌تری دارد؟ (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). با تأملی بر اهمیت اقتصاد مقاومتی و نیاز مبرم شرایط اقتصادی امروز کشور به این راهبرد اقتصادی می‌توان دریافت که این موضوع از اولویت بالایی برخوردار است و از آنجا که نیاز جامعه به‌عنوان یکی از مبانی اساسی برنامه درسی باید مورد توجه قرار گیرد، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان نیاز جامعه امروز و حتی آینده ایران نباید در برنامه درسی مورد غفلت واقع شود و

1 - Sahlberg

2 - Walstad & Watts

3 - Infusion Approach

ضروری است که اقدامات مناسب برنامه‌ریزی درسی برای نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی در وجود و شخصیت مردم جامعه به‌طور عام و دانش‌آموزان و نسل آینده به‌طور خاص صورت پذیرد. حال اگر بپذیریم که آموزش اقتصاد مقاومتی می‌تواند در زمره آموزش‌های ضروری نظام آموزش رسمی و عمومی قرار گیرد، گام بعدی، طراحی و تدوین برنامه درسی اقتصاد مقاومتی است و بدیهی است طراحی و تدوین برنامه درسی، مستلزم تعیین عناصر و ماهیت آن عناصر است. یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی که می‌توان بقیه عناصر را با التفات به آن تعیین کرد، اهداف برنامه درسی است. آیزنر (۲۰۰۵: ۲۴ - ۱۷) بیان می‌کند اهداف تربیتی حداقل به سه دلیل باید به‌طور واضح، تعیین شوند:

- اهداف تربیتی، زمینه تحقق هدف کلی و آرمان برنامه درسی را میسر می‌سازند؛
- انتخاب و سازماندهی محتوا را تسهیل می‌کنند؛
- وقتی آنها با اصطلاحات رفتاری مشخص می‌شوند ارزیابی نتایج برنامه درسی را میسر می‌سازند.

از این‌رو، این پژوهش به دنبال شناسایی اهداف یادگیری اقتصاد مقاومتی برای نظام آموزش رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است تا مطابق دیدگاه آیزنر (۲۰۰۵: ۲۴ - ۱۷) زمینه تعیین و سازماندهی محتوا و همچنین تصمیم‌گیری درباره سایر عناصر برنامه درسی اقتصاد مقاومتی، فراهم آید.

سؤالات پژوهش

۱. اهداف یادگیری آموزش اقتصاد مقاومتی از منظر منابع مطالعاتی، شامل چه مواردی می‌تواند باشد؟
۲. از دیدگاه صاحب‌نظران، کدام‌یک از اهداف یادگیری شناسایی شده برای نظام آموزش رسمی و عمومی مناسب است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت گردآوری داده‌ها دارای رویکرد کیفی است و با روش مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل محتوای اسناد، جستار نظرورزانه و پیمایشی انجام شده

است. بدین صورت که ابتدا با تحلیل اسناد مطالعاتی، مقوله‌ها و مضامین کلیدی اقتصاد مقاومتی استخراج و براساس جستار نظرورزانة اهداف تعیین شده است، سپس با روش پیمایشی و مصاحبه آن دسته از اهداف یادگیری که مناسب نظام آموزش رسمی و عمومی است، شناسایی شده است. برای گردآوری اطلاعات از دو جامعه پژوهشی: الف) جامعه و نمونه منابع مطالعاتی، ب) جامعه و نمونه صاحب‌نظران استفاده شد. برای نمونه‌گیری از این دو جامعه از روش نمونه‌گیری هدف‌مند استفاده شد. بدین صورت که اسنادی مانند بیانات مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی - که در سال‌های گذشته ایراد شده و در سایت www.farsi.khameneh.ir موجود است - سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سایر منابع شامل ۲۸ مورد کتاب و مقاله مورد تحلیل کیفی قرار گرفتند. نمونه صاحب‌نظران نیز از بین متخصصان رشته اقتصاد (دارای سابقه مطالعاتی در زمینه اقتصاد مقاومتی) و صاحب‌نظران مطالعات برنامه‌درسی و کارشناسان گروه‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور است که با روش نمونه‌گیری هدف‌مند و در دسترس انتخاب شده و ۱۳ نفر از آنان در پژوهش، مشارکت نمودند.

ابزار این پژوهش، فیش‌برداری برای گردآوری اطلاعات از منابع مطالعاتی و همچنین پرسشنامه و مصاحبه برای احصای دیدگاه صاحب‌نظران بود. در تحلیل محتوای کیفی منابع از تحلیل هدایت‌شده استفاده شده است. تحلیل کیفی هدایت‌شده نوعی ترکیب هدف‌مند از استقرا و قیاس است (تبریزی، ۱۳۹۳). در اینجا نیز محقق با مدنظر قراردادن موضوع اقتصاد مقاومتی به تحلیل و کدگذاری محتوای منابع پرداخته است. البته در فرایند کدگذاری، استقرا بیشتر از قیاس به کار رفته و از طریق کدگذاری باز و محوری مقوله‌ها و مضامین مربوط به آموزش اقتصاد مقاومتی استخراج شده است. برای بررسی روایی و اعتبار یافته‌ها علی‌رغم دقت پژوهشگر در طول فرایند پژوهش از دیدگاه صاحب‌نظران استفاده شد. بدین طریق که مقوله‌ها و مضامین استخراج‌شده از تحلیل محتوای کیفی، مورد قضاوت صاحب‌نظران قرار گرفت تا براساس دیدگاه آنان، یافته‌های نهایی به دست آید.

یافته‌ها

سؤال اول: اهداف یادگیری آموزش اقتصاد مقاومتی از منظر منابع مطالعاتی شامل چه مواردی می‌تواند باشد؟

از آنجا که اهداف یادگیری در سطوح مختلف بیان می‌شوند، اهدافی که در اینجا ارائه می‌شود،

اهداف کلی آموزش اقتصاد مقاومتی هستند که می‌توان در نظام آموزش رسمی و عمومی (دوازده ساله آموزش و پرورش) بدان پرداخت. در نحوه بیان اهداف نیز از رویکرد شایستگی محور استفاده شده است. شایستگی ترکیبی از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های موردنیاز برای انجام یک نقش به‌گونه‌ای اثربخش است (فیلپو و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از مؤمنی و شریعتمداری، ۱۳۸۸).

۱. باور به نقش مصرف بهینه در رشد اقتصادی، یادگیری چگونگی تحقق بخشی به آن و تلاش

در این راستا:

یکی از بخش‌های بسیار مهم اقتصاد، بخش مصرف است. مصرف، بخش‌های تولید و توزیع را نیز کنترل می‌کند. در اقتصاد مقاومتی، مصرف اهمیت مضاعفی دارد، به طوری که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، تحقق اقتصاد مقاومتی، مستلزم تحقق اصلاح الگوی مصرف و مصرف بهینه است. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است، زیرا مصرف تولید را جهت می‌دهد (رضوی و ندا، ۱۳۹۲). سبکتکین و دیگران (۱۳۹۲) بیان می‌کنند که انتخاب‌های مصرفی، هسته اصلی سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. مصرف، مهم‌ترین مؤلفه سبک زندگی است. در سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی، مصرف بهینه، نقش حیاتی دارد.

۲. درک فهم نقش اقتصاد مقاومتی در رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره، خانواده و

جامعه:

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی در سال‌های اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است و دیرزمانی از طرح آن در جامعه نمی‌گذرد. برای آنکه رفتار مردم و اقدامات آنها و همچنین مسئولین براساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد، باید نظامی از ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورها در آنها نهادینه شود تا در چارچوب اقتصاد مقاومتی عمل نمایند. در آموزش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک موضوع یادگیری نیز پرداختن به این سطوح از اهداف لازم و ضروری است تا ارزش‌های اقتصاد مقاومتی در شخصیت یادگیرندگان تجلی یابد. نقی‌زاده (به نقل از معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸: ۵۷) می‌گوید: «تردید نیست که تجربه شرق آسیا از جمله خلاف قاعده‌هایی است که متأثر از تحول فرهنگی، استقرار دولت‌های متعهد به توسعه، انگیزه برتری‌جویی و تفوق ملی، گسترش آموزه‌های فرهنگ امساک کنفوسیوس در منطقه و البته داشتن آرمان مشترک ملی برای صنعتی‌شدن، پیشرفت را به این منطقه به‌ارمغان آورده است».

۳. آشنایی با علم اقتصاد و اصول مسلم اقتصادی و نحوه کاربرد آن در زندگی روزمره برای

رشد اقتصادی:

اقتصاد مقاومتی یک راهبرد برای توسعه اقتصاد کشور محسوب می‌شود و یک موضوع جداافتاده از علم اقتصاد نیست و علم اقتصاد به‌عنوان یک ابزار و وسیله رشد اقتصادی در این راهبرد نیز مؤثر خواهد بود. البته علم اقتصاد دارای گستره زیادی است و آموزش همه قلمروهای علم اقتصاد در آموزش و پرورش میسر نیست. اما می‌توان گفت که برخی مفاهیم و اصول مهم کاربردی اقتصاد، لازم است در پوشش برنامه‌های درسی قرار گیرد. تجربه بسیاری از کشورهای دیگر نشان می‌دهد که آموزش اقتصاد در آن کشورها با جدیت دنبال شده است. تنها در امریکا بالغ بر دویست و پنجاه مرکز غیرانتفاعی آموزشی و فرهنگی در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی به کار مشغولند و در این زمینه مجلات تخصصی منتشر می‌کنند (بوشارت و واتس، ۱۹۹۰، به نقل از پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰). لذا حداقل نیاز جامعه و فرد، ضرورت و منطق پرداختن به آموزش اقتصاد را توجیه و تبیین می‌نمایند.

۴. شناخت نظام اقتصادی اسلام و آموزه‌های آن و باور به نقش آنها در پیشرفت و تعالی فرد:

ارتباطی که بین علم اقتصاد و اقتصاد مقاومتی وجود دارد و در هدف قبلی بدان پرداخته شد، بین نظام اقتصادی اسلام و اقتصاد مقاومتی نیز حاکم است. به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی مظهری است که در ظرف علم اقتصاد و نظام اقتصادی اسلام قرار می‌گیرد.

نظام اقتصادی اسلام یکی از زیرنظام‌های نظام الهی و اسلامی است که در کنار سایر نظام‌ها به دنبال اجرای نظام الهی در جهان است. این نظام، چارچوب سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی را فراهم می‌سازد. از آنجا که در نظام اقتصادی اسلام، صبر و مقاومت از جایگاه بالایی برخوردار است، می‌توان گفت نظام اقتصادی اسلام، ذاتاً مقاومتی است. اسدی (۱۳۹۳) بیان می‌کند وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی است، تصور ما از اقتصاد ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی معیشت و معنویت را در تفسیر و الگوی خاصی دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، در مکاتب الهی و توحیدی علاوه بر استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی جهت رفع و پوشش نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی، استفاده می‌شود. پس اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست و اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصاد (فلسفه، فرهنگ و ارزش‌ها) را توأمان دارد.

۵. افزایش روحیه میهن‌دوستی و احساس مسئولیت در برابر هم‌نوعان، رشد کشور و احساس

شرم در برابر عقب ماندگی آن:

هدف اقتصاد مقاومتی، دستیابی به استقلال اقتصادی کشور است. دستیابی به چنین هدفی، نیازمند عزم عمومی است و برای رسیدن به عزم عمومی در یک زمینه، ملی‌گرایی مردم و میهن‌دوستی آنان، عاملی مهم و ضروری است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد از عوامل مهم تأثیرگذار در رشد اقتصادی ژاپن می‌توان به تعلق خاطر به سرزمین اجدادی و ترویج فرهنگ شرم به سبب عقب‌ماندگی از کشورهای پیشرو اشاره نمود (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، پژوهشگران امر توسعه اثبات کرده‌اند که علت توفیق برخی کشورها و جوامع برای بهره‌گیری مناسب از منابع تولیدی خود (انسانی، فیزیکی و سرمایه طبیعی) داشتن سرمایه اجتماعی بوده است. سرمایه اجتماعی که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای باعث کاهش هزینه‌های دادوستد و افزایش کارایی و کارآمدی از طریق ارتقای سطح اعتماد، هماهنگی و همکاری در همه سطوح می‌شود (همان منبع). حال اگر بتوان میهن‌دوستی، ملی‌گرایی، احساس مسئولیت در برابر هم‌نوعان و رشد کشور و احساس شرم در برابر عقب‌ماندگی آن را به‌هنگار در جامعه تبدیل کرد و در افراد نسبت به تحقق آنها تعهد ایجاد نمود، سرمایه مناسب اجتماعی برای پیگیری اقتصاد مقاومتی در جامعه فراهم می‌شود.

۶. ارج نهادن به تولید داخلی و اقدام در جهت رونق‌بخشی به آن:

تولید، توزیع و مصرف، سه بخش عمده فعالیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند که قبلاً در خصوص اهمیت مصرف و تأثیرگذاری آن بر دو بخش دیگر سخن گفتیم. با عنایت به اینکه در بند ۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲) بر افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی به‌طور مستقیم تأکید شده و در بندهای دیگر نیز به‌طور ضمنی این تأکید وجود دارد، ضروری به‌نظر می‌رسد که تولید داخلی، نقش مهمی در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌نماید و به‌عبارتی، رکن اصلی اقتصاد مقاومتی است (اسدی، ۱۳۹۳). واضح است که هر فرد حداقل می‌تواند با دو نوع اقدام نسبت به رونق‌بخشی تولید داخلی گام بردارد، در گام اول با مدیریت مصرف خود و استفاده از محصولات داخلی و در گام دوم با روی آوردن به تولید کالاهای داخلی. به‌عبارتی در کنار ارج‌گذاری به محصولات داخلی اگر افراد روحیه مولدگرایانه داشته باشند و از روحیه مصرف‌گرایی محض پرهیز نمایند، می‌توان گفت نقش بهتری را در تولید داخلی برعهده خواهند گرفت. از این رو در آموزش اقتصاد مقاومتی در کنار مدیریت مصرف و ارج‌گذاری به محصولات

داخلی، روحیه مولدگرایانه و نحوه اقدام نسبت به تولید یک کالا و محصول نیز می‌تواند مطرح و پیگیری شود.

۷. تلقی تولید و تلاش به‌عنوان یک شاخص منزلت اجتماعی و تضعیف روحیه مصرف‌گرایی: از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی افراد براساس شاخص‌ها و ضوابطی از یکدیگر متمایز شده و طبقات اجتماعی را شکل می‌دهند. از عوامل مهم در طبقه‌بندی افراد «تندیس^۱» و «نقش^۲» است. تندیس، مجموعه برداشت‌ها یا رفتارهایی است که فرد می‌تواند به‌علت برخورداریش از یک موقعیت اجتماعی خاص، از دیگران متوقع باشد. نقش، مجموعه برداشت‌ها یا رفتارهایی است که فرد برخوردار از یک موقعیت اجتماعی مشخص باید داشته باشد تا به تندیس اجتماعی‌اش اعتبار بخشد (احدی و محسنی، ۱۳۸۱). این عوامل مهم در رشد و شکل‌گیری هویت افراد که از آن به‌عنوان پدیده نوجوانی یاد می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹) تأثیر بسزایی دارند. حال اگر در جامعه و تعاملات اجتماعی، تولید و تلاش به‌جای آنکه یک شاخص منفی و برای طبقات اجتماعی پایین قلمداد شود، به‌عنوان یک شاخص برای ارتقای منزلت اجتماعی تلقی شود، افراد جامعه تلاش خواهند کرد با روی آوردن به تولید، منزلت اجتماعی خوبی به‌دست آورند، اما اگر مصرف‌گرایی و به‌عبارتی مصرف‌بیکران، عامل ارتقای منزلت اجتماعی و خوشبختی تلقی شود، بدیهی است که تلاش و تولید در حاشیه قرار خواهد گرفت.

۸. آشنایی با نقش مردم و خود و همچنین نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی:

اقتصاد مقاومتی علاوه بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی، بعد سیاسی نیز دارد و هیچ‌سیاستی بدون پشتیبانی مردم تحقق نمی‌یابد (نصیری، ۱۳۹۲). از آنجاکه مقاومت، نقش مهمی در این سیاست دارد، هم اقتصاد و هم مقاومت، ضروری است که مردمی باشد (اسدی، ۱۳۹۳). برای آنکه مردم در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نقش آفرینی کنند، ضروری است که مردم با نقش و جایگاه خویش در اقتصاد کشور آشنا شده و نحوه نقش آفرینی خویش را بیاموزند؛ زیرا تلاش بدون شناخت، نتیجه مؤثری نخواهد داشت. لذا برای آنکه دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها در اقتصاد مقاومتی، نقشی داشته باشند، ضروری است که از نقش و جایگاه خویش اطلاع پیدا کرده و انگیزه لازم در آنان جهت اجرا شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ایجاد شود.

1 - Statut

2 - Role

۹. شناخت تکانه‌ها، ضربه‌ها و تحریم‌های خارجی اقتصادی، آثار آنها و نحوه مقابله با آنها: مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه‌رشد اقتصادی در کشور محفظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش یابد؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود، کم‌تر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲). آسیب‌پذیری اقتصاد که یک بعد مهمی از اقتصاد مقاومتی است، می‌تواند به صورت «احتمال خسارت یا ضرر در اثر عوامل خارجی» تعریف شود (بریگوگلیو، ۲۰۰۳). پس می‌توان گفت تکانه‌ها و ضربه‌های خارجی و تحریم‌ها منطقی نبوده و به شکل‌های گوناگون در زمان‌های مختلف ظهور می‌کند، لذا شناسایی این تکانه‌ها و تحریم‌ها و نحوه مقابله با آنها امری ضروری به نظر می‌رسد تا احساس نیاز به مقابله با تحریم از طریق اقتصاد مقاومتی در دانش‌آموزان و مردم جامعه نهادینه شود.

۱۰. ارتقای روحیه صبر و مقاومت و تلقی آن به‌عنوان یک عامل موفقیت و رشد معنوی: در دین اسلام صبر یکی از عناصر مهم ایمان و رشد معنوی انسان ذکر شده است و در آیات مختلف قرآن کریم و روایت‌های گوناگون بر صبر تأکید شده است. وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال/۴۶): صبر پیشه کنید که خداوند با صبرپیشگان است. امام صادق(ع) می‌فرماید: الصبر رأسُ الايمان: صبر [همچون] سر برای ایمان است. (وسائل الشیعه، به نقل از مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر صبر و مقاومت علی‌رغم ارزش معنوی، عامل موفقیت دنیوی نیز محسوب می‌شود و تأثیر صبر در پشتکاری و تلاش مداوم برای رسیدن به هدف خویش بر همگان روشن است. برای نمونه، فلسفه اقتصادی ژاپن در عصر فنودالیسم، نشان می‌دهد که ژاپن از عصر فنودالیسم با تکابر گسترش آموزش و کار تولیدی به‌منزله یک تکلیف (برتری ریاضت‌کشی این جهانی بر ریاضت‌کشی آخرت‌گرا)؛ جنبش‌های نرم‌افزاری مانند انقلاب سخت‌کوشی و تأکید بر جمع‌گرایی، گام در دوره جدید نهاد و با احترام به انقلاب صنعتی سخت‌افزاری و سنت فردگرایی غرب به مقابله و هماوردی با آن پرداخت، از او آموخت و به پیش رفت (نقی‌زاده، به نقل از معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸).

۱۱. تلقی تلاش و مشارکت اقتصادی و مصرف بهینه به‌عنوان یک فعل عبادی: بندگی خداوند در ابعاد مختلف زندگی می‌تواند انجام پذیرد. یکی از این ابعاد بندگی، تلاش

و مشارکت اقتصادی است که پرداخت خمس، زکات، کمک به فقرا و خلاصه فعالیت‌های اقتصادی از سوی دین اسلام مورد سفارش قرار گرفته است. از این رو ضروری به نظر می‌رسد تلاش و مشارکت اقتصادی به‌عنوان یک فعل عبادی به دانش‌آموزان معرفی شود. در حدیثی آمده است: «سائلی نزد پیامبر می‌رود و از حضرت درخواست کمک می‌کند. پیامبر از او درباره دارایی و اموالش می‌پرسد. آن مرد پاسخ می‌دهد که فقط ظرفی برای نوشیدن و وضوگرفتن که به آن قعب گفته می‌شود و قطعه پارچه‌ای به نام حلس، دارد که نصف آن را فرش خود و اهلش قرار داده و نصف دیگر را روی خود می‌اندازد. پیامبر امر کرد آن دو را آورد و در مزایده‌ای عمومی به دو درهم فروخت. سپس آن مرد را فرستاد تا با یک درهم تیشه و با درهم دیگر برای خود و اهلش غذا تهیه کند. پیامبر با دست شریف خود به آن تیشه، چوبی بست و به آن مرد امر فرمود که برود و از کوه، هیزم جمع کرده و در شهر بفروشد و بعد از پانزده روز نزد حضرت بیاید. آن مرد بعد از پانزده روز آمد؛ درحالی‌که، ده درهم بیش از آنچه در این مدت صرف غذایش کرده بود، جمع آورده بود (قحف، ۱۳۸۵).

۱۲. شناخت سبک بهینه زندگی براساس الگوی اسلامی ایرانی و مقتضیات اقتصاد مقاومتی و تلاش در جهت اصلاح سبک زندگی خویش و خانواده براساس آن:

برای به‌ثمرنشدن اقتصاد مقاومتی، نیاز به اتخاذ سبک زندگی مناسب از سوی شهروندان است و اصلاح سبک زندگی، فرایندی دشوار و زمان‌بر است (نصیری حامد، ۱۳۹۲). این موضوع اهمیت شناخت سبک بهینه و مناسب زندگی و ایجاد گرایش به آن در دانش‌آموزان را نمایانگر می‌سازد. زیرا سبک زندگی، چارچوب شناختی است که در آن فرد رفتارهای خاصی را انتخاب می‌کند. این رفتارها به فرد کمک می‌کند تا با زندگی کنار بیاید (شیلنگ، ۱۳۸۳). ایجاد این چارچوب شناختی می‌تواند در طول دوران تحصیل اتفاق بیفتد. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی در طول نظام اقتصادی اسلام قرار دارد که برای جامعه ایرانی منظور شده است. لذا سبک زندگی مناسب برای اقتصاد مقاومتی لازم است در چارچوب نظام اقتصادی اسلام با مدنظر داشتن ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات کشور ایران طراحی و تبیین شود.

۱۳. آموزش خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و پذیرش آنها به‌عنوان یک سرمایه:

یکی از عوامل مؤثر بر توسعه و رشد اقتصادی، کارآفرینی است، به طوری که از زمان کار شوپینتر (۱۹۳۴) به‌عنوان موتور محرکه توسعه و رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (یلی

نپا، به نقل از شرفی و دیگران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، خلاقیت و نوآوری که زمینه کارآفرینی را فراهم می‌سازد، قابل آموزش است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر آموزش خلاقیت تأکید می‌نمایند. گوردون می‌گوید خلاقیت یک فرایند اسرارآمیز نبوده، بلکه می‌توان آن را توصیف کرده و به‌طور مستقیم به آموزش آن پرداخت (جوینس و دیگران، ۱۳۸۳). کار^۲ (۲۰۱۰) می‌گوید ما باید مطمئن باشیم تخیل و خلاقیت، جنبه‌های تلفیقی برنامه درسی هستند. امکان آموزش خلاقیت و تأثیر خلاقیت و نوآوری بر کارآفرینی و به تبع آن بر رشد اقتصادی، ضرورت آموزش خلاقیت را در آموزش اقتصاد مقاومتی، یادآور می‌سازد.

۱۴. پرورش تفکر انتقادی و مهارت نقد با تمرکز بر حوزه اقتصاد:

وجود تبلیغات فراوان در بازار و اقتصاد، انتخاب کالا، شغل، فعالیت اقتصادی و غیره را دشوار نموده است. از آنجا که انتخاب و تصمیم‌گیری، نیازمند گردآوری اطلاعات معتبر و پایاست، داشتن تفکر انتقادی و مهارت نقد تا حدودی می‌تواند این امر را محقق سازد. از این رو، یکی از قابلیت‌هایی که در تعلیم و تربیت اقتصادی دنبال می‌شود، مهارت تفکر و عمل نقاد است (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰).

۱۵. آشنایی با جایگاه انتخاب، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در رشد اقتصادی و پرورش

مهارت تصمیم‌گیری:

سبک زندگی به‌عنوان مفهومی مدرن بر محوریت انتخاب، شکل می‌گیرد و انتخاب‌های مصرفی هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهند و هر انتخاب مصرفی علی‌رغم پدیده فردی بودن، پیامدهای اجتماعی نیز به دنبال دارد (سبکتکین و دیگران، ۱۳۹۲). همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، سبک زندگی متناسب یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی است و چون انتخاب و تصمیم‌گیری، نقش بنیادی در سبک زندگی دارد، می‌توان گفت انتخاب‌های صحیح و تصمیم‌های متناسب با شرایط اقتصادی کشور یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی نیز به‌شمار می‌آید. مثال ساده آن تأمل در لحظه انتخاب کالای موردنیاز از بین کالاهای داخلی و خارجی است.

۱۶. شناخت آثار سوء فساد اقتصادی و درک نقش خویش و دیگران در مبارزه با آن و مقایسه

آن با محیط امن و سالم اقتصادی:

1 - Yelinenpaa

2 - Carr

تحقق اقتصاد مقاومتی و رسیدن به اقتصاد بدون نفت، مستلزم اشتغال، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و گسترش تولید داخلی است. اما لازمه پدیدار ساختن اشتغال و سرمایه‌گذاری آن است که اولاً برای سرمایه‌گذار، امنیت حاصل آید و ثانیاً با افرادی که در کشور به پدید آمدن فساد اقتصادی و اختلاس اقدام می‌کنند، برخورد شود. این مسئله باعث می‌شود سرمایه‌های کشور به راه اصلی که راه تولید و پیشرفت است، سرازیر شود (کام‌فیروزی و دیگران، ۱۳۹۳). پژوهنده (۱۳۹۴) بیان می‌کند با وجود آنکه می‌دانیم تنها راه رهایی از مخمصه تحریم در حال حاضر، اقتصاد مقاومتی است اما موانعی بر سر راه است که از اهم آنها فساد است. با عنایت به اهمیت محیط سالم و امن اقتصادی در رشد و توسعه کشور، به نظر می‌رسد در آموزش اقتصاد مقاومتی اولاً دانش‌آموزان با ویژگی‌ها و آثار محیط سالم و امن اقتصادی آشنا شوند، سپس آثار زیانبار فساد اقتصادی را نیز تحلیل کرده تا نگرش لازم در آنان نسبت به ضرورت مبارزه با فساد و نقش آفرینی خود و دیگران در این راستا به وجود آید.

۱۷. پذیرش محدودیت و کمیابی به‌عنوان یک امر مسلم و طبیعی زندگی بشری و تلاش برای ارتقای بهره‌وری:

کمیابی و محدودیت، یکی از مفاهیم بنیادین در علم اقتصاد به‌شمار می‌آید و وظیفه علم اقتصاد این است که نشان دهد چگونه می‌توان کالاهایی را جهت ارضای احتیاجات و نیازهای انسانی به بهترین وجه و با کم‌ترین هزینه تولید نمود (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۰).

از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های ذاتی زندگی بشری، کمیابی و محدودیت است و در دنیایی که انسان در آن زندگی می‌کند، قانونی به نام قانون کمیابی وجود دارد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۰). از این رو، در اقتصاد مقاومتی که به دنبال کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری اقتصاد هستیم، ضروری است این مهم درک شده و تلاش برای استفاده بهینه و حداکثری از منابع موجود و ارتقای بهره‌وری صورت پذیرد و این اتفاق در وجود دانش‌آموزان شکل پذیرد.

۱۸. شناخت مسائل و مشکلات اقتصادی کشور و انگیزه‌بخشی به یادگیرندگان جهت نقش آفرینی در حل آنها:

حل مسائل و مشکلات اقتصادی نیازمند شناسایی آن مسائل و مشکلات است تا با شناخت صحیح بتوان اقدام صحیح و متناسب با آن مسائل به‌عمل آورد. پیغامی و تورانی (۱۳۹۰) بیان می‌کنند، فقدان درک صحیح مسائل اقتصادی آنجا جلوه می‌کند که فرد به‌ناچار در زندگی

اجتماعی در یک موقعیت با ویژگی‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و نیاز به بروز رفتاری عقلایی و تصمیم‌گیری عقلانی مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های بومی و مقتضیات ملی خویش دارد. در این مقام نه یک دانش سازمان‌یافته و نهادینه‌شده از مفاهیم، نه چارچوبی برای تحلیل اوضاع اطراف خود و نه یک فرهنگ حاکم اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های جامعه و مصالح فردی - اجتماعی هیچ‌کدام وی را همراهی نمی‌کنند. نتیجه چنین وضعی و فقدان بر رشد اقتصادی و توسعه همه‌جانبه کشور، پیشاپیش روشن است.

۱۹. باور به ظرفیت روابط بین‌المللی در رشد اقتصادی کشور و درک نقش خود در ارتقای روابط بین‌المللی به‌عنوان یک شهروند جهانی:

در بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوند راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با سایر کشورها، استفاده از دیپلماسی و ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی تأکید شده است. زیرا اقتصاد مقاومتی در عین درون‌زا بودن، برون‌گرا نیز هست (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). برای توسعه روابط بین‌المللی و برون‌گرا بودن، علاوه بر تلاش مسئولان و سیاست‌مداران کشور، نقش شهروندان نیز اهمیت دارد. اگر مردم از تلاش‌های دیپلماسی مسئولان حمایت کنند و با فعالیت‌های اقتصادی بتوانند صادرات کشور را رونق بخشند، بدیهی است که سایر کشورها خود به حفظ و توسعه روابط با کشور، مایل خواهند بود.

۲۰. شناخت و باور به اقتصاد چندمحصولی به‌عنوان یک عامل رشد و مقاومت اقتصادی و شناخت نقش خود در تحقق آن:

یکی از آسیب‌ها و نقاط ضعف جدی اقتصاد ایران، تک‌محصولی بودن و وابستگی آن به نفت است. دانش‌جعفری و کریمی (۱۳۹۳) بیان می‌کنند یکی از مهم‌ترین حوزه‌های خطرپذیر در اقتصاد ایران، وابستگی اقتصاد کشور به نفت است. درآمد نفتی در اقتصاد ایران دو کارکرد دارد: تأمین‌کننده بخش عمده درآمد دولت و تأمین‌کننده بخش عمده ارز موردنیاز واردات است. بدیهی است در چنین وضعیتی با اندک تکانه‌های منفی در بازار جهانی نفت و یا تحریم آن به شدت اقتصاد کشور را متزلزل می‌سازد. برای مقابله با آن حرکت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد چندمحصولی، امری معقول و مفید تشخیص داده می‌شود. پس می‌توان گفت هر یک از آحاد جامعه باید این مهم را درک کرده و نقش خویش را در تولید محصولات غیرنفتی مهم تلقی نمایند

و در این راستا بکوشند.

۲۱. آشنایی با ظرفیت‌های داخلی کشور و بوم خویش و تلاش برای بهره‌گیری مناسب از آن: فرصت‌شناسی یکی از ویژگی‌های کارآفرینان است. در فرصت‌شناسی اقتصادی، فرد شرایط محیطی خویش را بررسی و پس از شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های محیط، اقدام به طراحی و اجرای پروژه اقتصادی می‌نماید. از آنجاکه ایران سرشار از منابع طبیعی و نعمت خدادادی است، اگر درست مدیریت شده و به‌صورت بهینه تخصیص داده شود، منبع بسیار خوبی برای کسب درآمد و تأمین نیازها بدون وابستگی به دشمن است (میرمعزی، ۱۳۹۱). در این راستا، شناخت این منابع طبیعی و فرصت‌های اقتصادی از ملزومات اقتصاد مقاومتی است (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸).

۲۲. تلقی فقر به‌عنوان یک مسئله مهم اقتصادی جامعه و شناخت راه‌های پیشگیری و درمان آن: فقر، پدیده‌ای ناگوار است که خود مسبب آثار و تبعات فراوانی است. برای نمونه، رابطه فساد با فقر و تنگدستی به‌صورت نسبت عموم‌مطلق، ارزیابی می‌شود؛ یعنی اغلب توأم با یکدیگر هستند. هرچند که نظیر چنین رابطه‌ای میان غنا و فساد نیز وجود دارد، اما متغیر فقر و فساد از شمول و فراگیری فزون‌تری برخوردار است (پژوهنده، ۱۳۹۴). در آموزه‌های دینی نیز بر لزوم مبارزه با فقر تأکید شده است. حضرت علی (ع) خطاب به محمدبن حنفیه می‌فرماید: «فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر! زیرا فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹). از سوی دیگر، یکی از اهداف اقتصاد، تولید ثروت و برون‌رفت از فقر است. از این‌رو در آموزش اقتصاد مقاومتی این موضوع حائز اهمیت است که دانش‌آموزان با آثار فقر آشنا شوند و نحوه مبارزه و پیشگیری از آن را بیاموزند.

۲۳. مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در زمینه‌های متناسب با ظرفیت‌های فردی و بومی: درباره اهمیت تولید داخلی و کارآفرینی، نوآوری، تلاش و کوشش به کرات سخن گفته‌ایم. این امر اهمیت و کارآیی آموزش مهارت‌های خاص به دانش‌آموزان را یادآوری می‌نماید. دانش‌آموزان برای فعالیت اقتصادی در محل زندگی خویش، نیازمند دریافت مهارت‌های خاص و متناسب با نیازها و ظرفیت‌های بومی هستند تا با داشتن مهارت‌ها بتوانند از سرمایه‌های طبیعی محیط زندگی خویش بهره بگیرند. فرخ‌پور و دیگران (۱۳۹۴)، بیان می‌کنند اگر دغدغه شغلی برای آینده

فرزندانمان وجود داشته باشد، باید آنها را به سمت آموزش‌های مهارتی یا حرفه‌آموزی، هدایت کنیم. از سوی دیگر یکی از سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی، تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). از این رو، آموزش مهارت‌ها براساس شرایط موقعیت زندگی و بوم دانش‌آموزان می‌تواند جزو اهداف آموزش اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

سؤال دوم: از دیدگاه صاحب‌نظران، کدام‌یک از اهداف یادگیری شناسایی شده برای نظام آموزش رسمی و عمومی مناسب است؟

در این مرحله اهداف یادگیری تعیین شده در گام نخست مورد قضاوت صاحب‌نظران قرار گرفت تا براساس دیدگاه آنان اصلاحات لازم انجام و اهداف یادگیری متناسب نظام آموزش رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران تعیین شود. از این رو، مطابق دیدگاه صاحب‌نظران تعداد اهداف برآمده از تحلیل اسناد زیاد و گسترده بود و چون برخی از اهداف پیشنهادی در قالب برنامه‌های درسی موضوعات دیگر مانند قرآن و معارف اسلامی و غیره دیده شده است و همچنین پرداختن به برخی از اهداف پیشنهادی، بسیار کلی بوده و خارج از ظرفیت موضوعی به نام اقتصاد مقاومتی است، لذا حذف برخی اهداف کلی و تلفیق برخی دیگر ضروری دانسته شد. برای نمونه، صاحب‌نظری می‌گوید: «نوشتن اهداف گسترده و وسیع که حوزه‌های اخلاقی و تربیت دینی را دربر می‌گیرد، مناسب نیست، زیرا قابلیت اجرایی اهداف تعیین شده را پایین می‌آورد».

براین اساس، برخی از اهداف پیشنهادی برآمده از تحلیل اسناد، حذف، جایگزین و نیز با سایر اهداف تلفیق شدند. دلیل تغییر برخی اهداف استخراج شده از منابع مطالعاتی، اولویت‌قائل شدن به دیدگاه صاحب‌نظران حوزه عمل بود، زیرا مطابق دیدگاه شوآب (مهرمحمدی، ۱۳۸۸: ب: ۲۹۲) برنامه درسی به طور اعم و برنامه‌ریزی درسی به طور اخص یک حوزه نظری نیست، بلکه حوزه عملی است. از این رو، دیدگاه صاحب‌نظران حوزه عمل مورد توجه و ملاک قرار گرفت و در نهایت ۱۳ هدف یادگیری (شایستگی) مطابق جدول ۱ برای آموزش اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، تعیین شد.

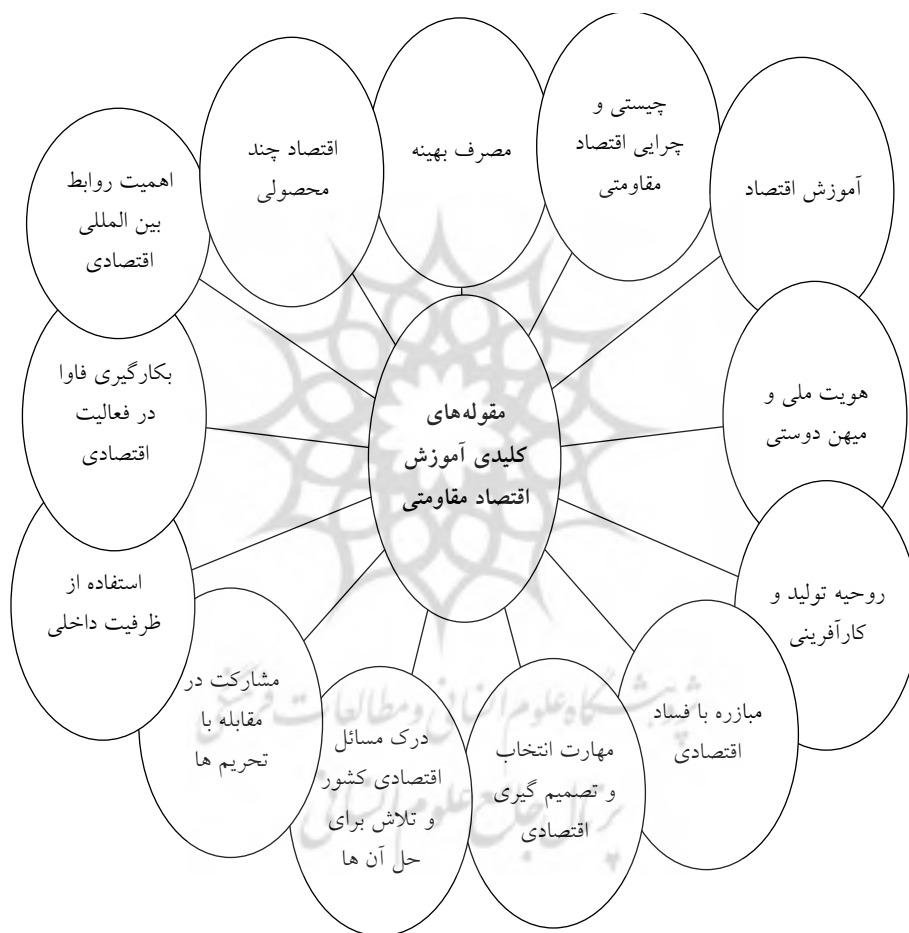
جدول ۱: اهداف یادگیری (شایستگی) اقتصاد مقاومتی مناسب نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران

اهداف کلی	ردیف
درک و فهم نقش مصرف بهینه در رشد اقتصادی، چگونگی تحقق بخشی به آن و تلاش در این راستا	۱
آشنایی با علم اقتصاد و اصول مسلم اقتصادی و نحوه کاربست آن برای رشد اقتصادی در زندگی	۲
تقویت هویت ملی و روحیه میهن‌دوستی با تمرکز بر استقلال اقتصادی و احساس مسئولیت در برابر آن	۳
تقویت روحیه تولید و کارآفرینی در خود و دیگران براساس نیازهای جامعه و بازار کار	۴
درک و فهم تکانه‌ها، تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی خارجی و آثار آن و تلاش مداوم فردی و جمعی برای مقابله با آنها	۵
توانایی درک و فهم موقعیت‌ها و مسائل اقتصادی فردی، خانوادگی، محلی و ملی و بهره‌گیری از مهارت تصمیم‌گیری و آینده‌نگری مناسب در حل آنها	۶
درک و فهم آثار سوء فساد اقتصادی و تلاش فردی و جمعی برای دستیابی به جامعه اقتصادی سالم	۷
درک و فهم مسائل و مشکلات اقتصادی کشور و تلاش و مشارکت مؤثر برای حل آنها	۸
باور به ظرفیت روابط بین‌المللی در رشد اقتصادی کشور و درک نقش خود و جامعه در ارتقای روابط بین‌المللی	۹
توانایی تجزیه و تحلیل قابلیت‌های اقتصاد چندمحصولی به‌عنوان مؤلفه کلیدی در اقتصاد مقاومتی و تلاش در جهت استقرار آن	۱۰
باور به نقش اقتصاد مقاومتی در رشد و استقلال اقتصادی (در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی) و همچنین در عرصه سیاسی و اجتماعی	۱۱
کسب توانایی برای بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های داخلی کشور و بوم خویش	۱۲
بهره‌مندی مطلوب از فناوری‌های نوین در راستای فعالیت‌های اقتصادی تولید، توزیع و مصرف بهینه	۱۳

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش اقتصاد مقاومتی، مستلزم تدوین برنامه درسی؛ و تدوین برنامه درسی اقتصاد مقاومتی، مستلزم تعیین اهداف یا شایستگی‌های یادگیری است. از این رو، این پژوهش به دنبال شناسایی اهداف یادگیری آموزش اقتصاد مقاومتی بود. چنانچه قبلاً تشریح شد، ابتدا ۲۳ شایستگی یا هدف از تحلیل منابع مطالعاتی به دست آمد. سپس با ملاحظه دیدگاه صاحب‌نظران، اصلاحات لازم در ۲۳ هدف شناسایی شده به عمل آمد و در نهایت ۱۳ هدف یا شایستگی یادگیری برای آموزش اقتصاد مقاومتی به دست آمد و مطابق ۱۳ هدف کلی، اهداف آموزش اقتصاد مقاومتی برای

دوره‌های سه‌ساله تحصیلی بیان شد. از آنجا که اهداف شناسایی شده براساس مضامین استخراج شده از تحلیل محتوای کیفی بیان شده بودند، در شکل شماره ۱ این مضامین استخراج شده یا به‌عبارت‌دیگر، مقوله‌های کلیدی آموزش اقتصاد مقاومتی به‌دست آمده است.



شکل ۱: مضامین و مقوله‌های کلیدی آموزش اقتصاد مقاومتی

از بین یافته‌های این پژوهش، مقوله‌های فرهنگی نظیر مصرف بهینه و غیره با یافته‌های سبکتکین و دیگران (۱۳۹۲) و کام‌فیروزی و دیگران (۱۳۹۳)، مقوله مربوط به آموزش علم اقتصاد با یافته‌های

پیغامی و تورانی (۱۳۹۰) و وال استاد و واتس (۲۰۱۵)، مقوله مربوط به نظام اقتصاد اسلامی با یافته‌های اسدی (۱۳۹۳)، مقوله‌های مربوط به روی آوردن به تولید داخلی، اقتصاد چندمحصولی و مهارت‌آموزی با یافته‌های فرخ‌پور و دیگران (۱۳۹۴) و میرمعزی (۱۳۹۲) و مقوله‌های مربوط به روابط بین‌المللی و تعاملات سازنده جهانی با یافته‌های حقیقی و سالاریان (۲۰۱۴)، سیفلو (۱۳۹۳) و سالبرگ (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

نکته پایانی در خصوص یافته‌های پژوهش، نحوه کاربست آنها در حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزش است. در حوزه برنامه‌ریزی درسی از مضامین استخراج شده می‌توان به‌عنوان ایده کلیدی برای تعیین محتوا یعنی مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های اساسی استفاده کرد و همچنین براساس آنها نسبت به طراحی آموزشی، تدریس و ارزشیابی، اقدام نمود. همچنین براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان به تحلیل مواد آموزشی و کتاب‌های درسی فعلی نظام آموزش و پرورش پرداخت تا بتوان پیشنهادها را برای اصلاح برنامه‌های درسی فعلی و آموزش اقتصاد مقاومتی، فراهم ساخت.

منابع

قرآن کریم

اسدی، علی (۱۳۹۳)، نظام اقتصاد اسلامی، الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۵: ۳۹ - ۲۵.

پژوهنده، محمدحسین (۱۳۹۴)، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست‌ویکم، شماره ۱۰۶.

پیغامی، عادل و تورانی، حیدر (۱۳۹۰)، نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، شماره ۲۷.

جویس، بروس و دیگران (۱۳۸۳)، *الگوهای تدریس ۲۰۰۰*، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: انتشارات کمال تربیت.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، *بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت (۹۱/۶/۲)*، مندرج در سایت:

www.farsi.khamenei.ir

دشتی، محمد (۱۳۸۲)، *نهج البلاغه*، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.

رضوی، مهسا و مهرزاد، ندا (۱۳۹۲)، *اقتصاد مقاومتی و ملزومات دستیابی به آن؛ رهیافت اصلاح الگوی مصرف*، مجموعه مقالات همایش ملی سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، مندرج در سایت www.Sid.ir 95/11

- سبکتکین، قربانعلی؛ جعفری، احمد و جعفری، همت (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه موردی: دانش‌آموزان شهر کرج، مجموعه مقالات همایش ملی سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، مندرج در سایت www.Sid.ir 95/11.
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)، مندرج در سایت www.farsi.khamenei.ir
- سیف‌لو، سجاد (۱۳۹۳)، مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۰: ۱۵۱ - ۱۷۳.
- شرفی، محمد و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی برنامه درسی آموزش کارآفرینی، دوفصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، شماره ۳.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت.
- شیلنگ، پ، لوئیس (۱۳۸۳)، نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره)، ترجمه خدیجه آرین، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فرخ‌پور، الهه؛ خان‌پور، حمیدرضا و فرخ‌پور، فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی نقش آموزش‌های مهارتی در مشاغل نوین با رویکرد تکنولوژی در شرایط اقتصاد مقاومتی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی، مندرج در www.Sid.ir 94/11.
- قحف، منذر (۱۳۸۵)، مروری بر الگوی اقتصاد اسلامی، ترجمه سیدحسین میرمعزی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم.
- کام‌فیروزی محمدحسن؛ بنیادی نائینی، علی و موسوی لقمان، سیده‌اشرف (۱۳۹۲)، بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۲.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۸۰)، مبانی علم اقتصاد، اقتصاد خرد اقتصاد کلان، تهران: انتشارات خجسته.
- مصباح، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- معدن‌دار آرائی، عباس و سرکار آرائی محمدرضا (۱۳۸۸)، آموزش و توسعه، مباحث نوین در اقتصاد آموزش، تهران: نشر نی.
- مؤمنی مهموئی، حسین و شریعتمداری، علی (۱۳۸۸)، طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی، دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، شماره ۲: ۱۴۹ - ۱۲۸.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸)، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (باتأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.

میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۷ و ۸: ۲۲ - ۵.

نصیری حامد، رضا (۱۳۹۲)، اصلاح سبک زندگی و تحقق اقتصاد مقاومتی، مجموعه مقالات همایش ملی سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، مندرج در سایت www.Sid.ir 95/11

Amiri, Mehdi, Partabian Akbar & Safari Mohamad. (2014). Studay the role of the university and its elements in realizing resistive conomy. Open Access Journal of Resistiv Economics 5 (5), <http://www.civilica.com>.

Briguglio, Lino et al. (2008). Economic Vulnerability and Resilience Concepts and Measurements. Wourld Institute for development Economics Resarch (UNU.WIDER). www.ciaonet.org. 2016/02.

Carr, John. (2010). The Imagination and the primary school child. Included in: Creativity and the Arts in the Primary School, Discussion Document and Proceedings of the Consultative Conference on Education 2009. published by: Irish National Teachers' Organisation.

Eisner, Elliot. w. (2005). Reimagining schools: the selected works of Elliot w. Eisner. Published in the USA and Canada by Routledge.

Haghighi, Ali & Salarian Shideh. (2014). The role of culture in international marketing, relying on Resistive Economy, Open Access Journal of Resistiv Economics 5 (5), <http://www.civilica.com>.

Salberg. P. (2006). Education reform for raising economic competitiveness. Journal of education change. Spriger 2006.

Walstad, William B. & Watts, Michaels. (2015). Perspectives on Economics in the School Curriculum. The Journal of Economic Education, Volume 46, Number 3, July 2015, pp. 324-339(16).

